

[اشکالات محقق اصفهانی بر مرحوم آخوند در تصویر جامع 1](#_Toc31521872)

[اشکال اول: جامع حقیقی بین مقولات متعدد ممکن نیست 1](#_Toc31521873)

[اشکال دوم: جامع حقیقی بین مصادیق متعدد ممکن نیست 2](#_Toc31521874)

[اشکال و پاسخ 2](#_Toc31521875)

[اشکال سوم:تصویر جامع مذکور در کلام مرحوم آخوند طبق قول اعمی 3](#_Toc31521876)

[تصویر عنوان مشیر به جامع، طبق قول اعمی 3](#_Toc31521877)

[اشکال و پاسخ 3](#_Toc31521878)

[نظر مختار محقق اصفهانی در تصویر جامع 4](#_Toc31521879)

**موضوع**: کلام مرحوم اصفهانی /صحیح و اعم /مقدمه علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بیان کلام محقق اصفهانی در تصویر جامع طبق قول به صحیح بود.

کلام ایشان دو قسمت دارد که قسمت اول که در تبیین کلام مرحوم آخوند و نقد آن بود، گذشت و قسمت دوم نظر مختار محقق اصفهانی است.

مرحوم آخوند جامع را عنوان جامع بسیط منطبق بر فعل مکلف دانسته بودند و از آنجا که جامع، منطبق بر فعل مکلف است نه مسبب از آن، پس در شک در اقل و اکثر برائت جاری میشود.

# اشکالات محقق اصفهانی بر مرحوم آخوند در تصویر جامع[[1]](#footnote-1)

محقق اصفهانی در پاسخ به کلام مرحوم آخوند چند اشکال مطرح فرمودند

## اشکال اول: جامع حقیقی بین مقولات متعدد ممکن نیست

فعل مکلف در نماز و مانند آن، متشکل از مقولات متعددی از جمله مقوله فعل و کیف و... است و جامع حقیقی برای آنها متصور نیست؛ زیرا رکوع سجود و اذکار نماز از مقولات متفاوتی هستند که همگی جنس عالیه بوده و جامع واحد حقیقی ندارند \_هر چند که جامع اسمی و اعتباری دارند\_؛ بنابر این ممکن نیست امر واحد حقیقی، منطبق بر نماز \_که حقائق و مقولات متعدد است\_ باشد؛ زیرا جامع واحد به معنای حقیقت واحده است و مقولات متعدد حقائق متعدد هستند.

بله ممکن است برای مقولات متعدد اسم واحدی مانند عرض، گذاشته شود اما حقیقت و ماهیت مقولات، متفاوت است

## اشکال دوم: جامع حقیقی بین مصادیق متعدد ممکن نیست

اگر تمام نماز از یک مقوله باشد نیز نمی تواند جامع واحد بسیط حقیقی داشته باشد، زیرا نماز متشکل از مصادیق متعددی است که با یکدیگر متغایر هستند و جامع واحد منطبق بر مصادیق متعدد، مستلزم اتحاد بین مرکب و بسیط و در نتیجه مستلزم اتحاد واحد و متعدد است که امری نامعقول و شبیه کلام نصارا در تعدد و وحدت خدا است.

### اشکال و پاسخ

ایشان در ادامه می فرمایند: اگر گفته شود که در کم منفصل مانند یک متر پارچه، اتحاد واحد و کثیر رخ داده است، زیرا یک متر متحد با صد سانتی متر است که همان اتحاد واحد و کثیر و اتحاد بسیط و مرکب است، پس ممکن است نماز نیز اینگونه باشد؛ به این معنا که نماز نیز امری واحد بسیط باشد که مولف از امور متعددی است.

در پاسخ گفته می شود:

اولا مولف بودن امر واحد از کثیر، تنها مختص به کم منفصل است.

ثانیا در مورد نماز این مطلب قابل تطبیق نیست؛ زیرا کم، وجود عرضی در زمان دارد، اما نماز وجود در طول زمان دارد و زمان موجب انفصال خواهد بود؛ زیرا زمان قاطع و متدرج در وجود است و لذا رکوع و سجود متحد نیستند و اتصال زمانی و موالات بین اجزاء، نیز تنها موجب اتحاد اعتباری خواهد بود.

ثالثا اینکه نماز از مقوله کم منفصل باشد بر خطور هیچ عاقلی نمی آید.

رابعا کم منفصل، حیثیت وصفی است و لذا یک متر پارچه از حیث یک متر بودن، وصف و عرض است که امری بسیط است و جزء ندارد اما نماز حیث وصفی ندارد یعنی اتصاف به رکوع و سجود و... حقیقت نماز نیست بلکه حقیقت نماز رکوع و سجود و... بوده و لذا نماز، ذات موصوف و متکمم است مانند یک متر پارچه، که متراژ آن کم منفصل است ولی ذات پارچه که متکمم است، جوهری متشکل از اجزا و مرکب است و ماهیت آن با وصف متفاوت است.

سپس محقق اصفهانی وحدت اثر نماز را نیز توجیه می نماید و آن را دلیل بر جامع واحد بسیط صحیحی نمی دانند.

بله این اشکالات در فرض وضع نماز برای جامع حقیقی و ماهوی است؛ اما وضع نماز برای جامع عنوانی مانند ناهی از فحشاء عقلا ممکن است، ولی خلاف وجدان قطعی عرفی لغوی است و مرحوم آخوند نیز جامع عنوانی را اراده نکرده بودند بلکه اراده جامع مقولی نموده بودند و لذا به قاعده الواحد تمسک نمودند و ذکر این احتمال به این جهت بوده که مرحوم آخوند در ذیل کلامشان اختلاف بین نماز و فعل مکلف را اختلاف عنوان و معنون دانستند تا بتوانند جریان برائت را توجیه کنند که موجب شبهه شده بود که مراد مرحوم آخوند جامع عنوانی بوده است.

## اشکال سوم:تصویر جامع مذکور در کلام مرحوم آخوند طبق قول اعمی

اگر جامع طبق قول به صحیح جامع مقولی بسیط ذاتی قابل تصویر باشد، طبق قول به اعم نیز همان جامع قابل تصویر است؛ زیرا صحیح و فاسد غالبا متداخل است و هر نماز صحیحی، در فرضی باطل است همان گونه که هر نماز فاسدی نیز برای شخصی دیگر ممکن است صحیح باشد، مثل نماز چهار رکعتی که از حاضر صحیح و از مسافر باطل است، لذا نمی توان گفت نماز چهار رکعتی صادر از حاضر که صحیح است، ماهیت نماز داشته باشد؛ اما همین نماز اگر از مسافر صادر شود، ماهیت نماز را نداشته باشد؛ زیرا مقولات به نسبت اعتبارات مختلف و تغییر فاعل آن، تغییر نمی کند.

### تصویر عنوان مشیر به جامع، طبق قول اعمی

مرحوم آخوند در فرض قول به صحیح به وسیله اثر واحد مانند ناهی از فحشا، اشاره به جامع ماهوی واحد نمودند که این عنوان مشیر به جامع حقیقی، طبق قول به اعم نیز ممکن است به این صورت که: مشیر به نماز طبق قول به اعم اثر اقتضایی آن است به این بیان که: اثر نماز اعمی این است که این نماز اگر از فرد خاصی \_مانند حاضر یا مضطر و...\_ صادر شود صحیح خواهد بود، پس همان گونه که با اثر فعلی به نماز صحیح اشاره می شود، می توان با اثر اقتضایی و تقدیری (اثر لویی)، به نماز فاسد نیز اشاره نمود.

#### اشکال و پاسخ

در تکمله کلام محقق اصفهانی می گوییم: اگر اشکال شود که این گونه نیست که هر نماز فاسدی، بتواند نسبت به فردی صحیح باشد؛ زیرا گاهی نماز فاسد به گونه ای است که از هیچ کسی صحیح نخواهد بود و اثر اقتضایی ندارد پس در این گونه موارد عنوان مشیری وجود ندارد.

گفته می شود که این نماز نیز اثر اقتضایی دارد به این نحو که اگر به این نماز فاسد که از هیچ کسی صحیحا صادر نمی شود، اجزاء دیگری اضافه شود، می تواند صحیح باشد. و همین اثر اقتضایی برای اشاره کافی است.

به نظر اشکالات محقق اصفهانی، صحیح است.

# نظر مختار محقق اصفهانی در تصویر جامع[[2]](#footnote-2)

محقق اصفهانی به تبیین نظر مختار می پردازند و می فرمایند: طبق قول به صحیح می توان جامع را به وجهی صحیح تصویر نمود به این مقدمه که:

معانی و ماهیت در سعه و ضیق متعاکس وجود هستند؛ زیرا در ماهیات و معانی، اطلاقشان منوط به ابهام است و به واسطه ابهام است که ماهیات، سعه و شمول پیدا میکنند؛ زیرا تقیید، موجب محدود شدن ماهیت خواهد شد؛ ولی اطلاق وجودات به فرط در فعلیت است یعنی هر چه فعلیت آنها بیشتر شود، سعه وجود آنها بیشتر خواهد بود.

از این رو این که گفته می شود که ماهیت حد وجود است به این معنا است که ماهیت عدم وجود است پس شمول وجود منوط به کمتر بودن حد است؛ زیرا وجود به واسطه ماهیت محدود می شود و لذا هر چه فعلیت وجود بیشتر شود، سعه و اطلاق آن بیشتر می شود.

توجه به این مطلب لازم است که سعه وجود خدا و عدم محدودیت آن، به معنای این نیست که وجود او متحد با وجود مخلوقات است \_که در کلام عده ای از فلاسفه مطرح شده و از اوهام و اباطیل است\_ بلکه به معنای این است که خداوند حدی ندارد و وجود او محدود و مقید به زمان و مکان و... نیست بر خلاف انسان که حدود وجودی او مانند حیوان ناطق، انسان را از دیگر موجودات جدا میکند.

سپس محقق اصفهانی به این می پردازند که ماهیت بر دو نوع است: ماهیات حقیقیه و ماهیات اعتباری مولفه از امور مختلف.

1. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج1، ص98.](http://lib.eshia.ir/27897/1/98/بسط%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج1، ص98.](http://lib.eshia.ir/27897/1/98/بسط%20) [↑](#footnote-ref-2)